تحلیل نقش عفاف و حجاب در تحکیم مبانی اخلاقی و حقوقی خانواده: رویکردی فرهنگی و اجتماعی

رامین قنبری[1]

چکیده

خانواده، به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقشی کلیدی در پایداری فرهنگی و اجتماعی جوامع ایفا می‌کند. در این میان، عفاف و حجاب نه‌تنها مؤلفه‌هایی هویتی در جوامع اسلامی‌اند، بلکه به‌عنوان ابزارهایی مؤثر در تنظیم روابط اجتماعی، تحکیم بنیان‌های خانوادگی و تقویت اصول اخلاقی و حقوقی نقش‌آفرینی می‌کنند. حجاب، علاوه بر بُعد دینی و فرهنگی، در چارچوب حقوقی نیز قابل تحلیل است و می‌تواند در حفظ کرامت انسانی، تقویت امنیت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اخلاقی مؤثر باشد. این پژوهش، با رویکردی میان‌رشته‌ای و روش توصیفی ـ تحلیلی ، به بررسی نقش عفاف و حجاب در استحکام مبانی اخلاقی و حقوقی خانواده پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که حجاب نه‌تنها عاملی برای هویت‌سازی دینی، بلکه ابزاری اجتماعی در تنظیم مناسبات خانوادگی و جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی است. همچنین از منظر حقوقی، حجاب می‌تواند در حفظ نظم اجتماعی، حمایت از حقوق فردی و جمعی و تحکیم نهاد خانواده نقش‌آفرین باشد. بر این اساس، تقویت بنیان‌های خانواده مستلزم نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی و حقوقی مرتبط با عفاف و حجاب است. این مطالعه پیشنهاد می‌کند که سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی با رویکردی جامع به ابعاد دینی، حقوقی و جامعه‌شناختی حجاب تدوین شوند و پژوهش‌های تطبیقی در جوامع مختلف برای شناخت بهتر تأثیرات آن بر نهاد خانواده گسترش یابد.

واژگان کلیدی: حجاب، عفاف، تحکیم خانواده، مبانی اخلاقی، مبانی حقوقی، کرامت انسانی، نظم اجتماعی، سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی.

---

۱. دانش‌آموخته سطح ۲ حوزه علمیه قزوین، حوزه شهید مصطفی خمینی، تاکستان، ایران. rghanbari895@gmail.com

مقدمه

یکی از نیازهای حقیقی در زمینه‌های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی، مسئله حجاب و عفاف است. هر چه الگوهای حجاب مراتب بالاتری داشته باشند، تأثیر بیشتری بر معنویت و دینداری فرد و جامعه خواهند گذاشت و هر چه حجاب فردی و اجتماعی متعالی باشد(راستی کوشک قاضی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۰)، نورانیت، حرمت اخلاقی و رشد و تعالی جامعه اسلامی نیز بیشتر خواهد بود و هر چه خلأ در این زمینه محسوس‌تر باشد، مشکلات و آسیب‌هایی که به کانون خانواده وارد می‌شود؛ بیشتر است. اگر چه مسئله حجاب و عفاف به ظاهر یک مسئله کهن و تکراری است، ولی ابعاد نوینی دارد که با هر کلمه و هر سخنی می‌توان برخی از این زوایا را استخراج کرد(علیمردی، ۱۳۸۹، ش۳). خانواده کانون عشق و امید و تحقق آرزوهای آدمی و مرکز تولد و پرورش نسل بشر است؛ به‌گونه‌ای که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون خانواده پایدار بماند. در معارف الهی و دینی، خانواده مهم‌ترین جایگاه پرورش انسان و استحکام بنیان خانواده در گرو ترویج فرهنگ عفاف و حجاب است. حجاب و عفاف برای حفظ اساس خانواده در جامعه، امری ضروری به شمار می‌رود. بنابراین برای جلوگیری از فروپاشی بنیان خانواده و نیز جلوگیری از ترویج فساد در جامعه، باید فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه نهادینه شود(بانکی‌پور، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲).

حجاب به عنوان یک مؤلفه فرهنگی و دینی در جوامع اسلامی نقشی محوری در تقویت مبانی اخلاقی و حقوقی خانواده ایفا می‌کند. در دنیای معاصر با توجه به تغییرات فرهنگی و تحولات اجتماعی و تهدیدات فرهنگی بیرونی، ضرورت این پژوهش در پاسخ به نیازهای حیاتی جامعه برای حفظ و تقویت بنیان‌های خانواده‌ها نمایان می‌شود. این تحقیق به شناسایی و تحلیل اثرات حجاب بر تقویت هویت دینی و فرهنگی، افزایش انسجام اجتماعی و جلوگیری از آسیب‌های اخلاقی و حقوقی در خانواده‌ها پرداخته است و می‌تواند راهکارهایی مؤثر در مقابله با چالش‌های کنونی ارائه دهد. تحکیم خانواده به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن، ساختار و عملکرد خانواده تقویت می‌گردد تا استحکام، پایداری و همبستگی درونی خانواده‌ها افزایش یابد. این فرایند شامل تعزیز روابط میان اعضا، افزایش

تعاملات مثبت و تقویت شبکه‌های حمایتی است که اعضای خانواده را در مقابل تنش‌های زندگی مقاوم‌تر می‌کند. تحکیم خانواده نـه تنها به حفظ اتحاد خانواده کمک می‌کند؛ بلکه به توسـعه فضایی سـالم برای رشـد فردی و جمعی اعضا نیز منجر می‌شـود. این امر با تأکید بـر ارزش‌هـای مشـترک، احترام متقابـل و درک و پذیـرش تفاوت‌ها، به بهبـود کیفیت زندگی خانـواده و توانمندسـازی آن‌ها بـرای رویارویی با چالش‌ها کمک می‌کنـد(رزازی، ۱۴۰۳، ص ۲۵). امروزه کشـورهای غربی در حفظ خانواده دچار مشـکل شده‌اند و تلاش می‌کنند این مسئله را با تهاجم فرهنگی و حربه‌هایی مانند حقوق بشـر و آزادی زنان و امثال آن به سـایر کشورها انتقـال دهند؛ از این‌رو شایسـته اسـت زنان هوشـیار و انقلابی با الهام از آیـات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام بیشتر به وظایف خود واقف شوند و گام‌های اساسی را برای مستحکم کردن نهـاد خانـواده بردارنـد و بـا تربیت فرزندان صالح دیـن خود را به انقلاب و شـهدای این مرز و بـوم ادا نمایند(بطحایـی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۳). بـر اسـاس تعریـف اسـلام از خانـواده، می‌توان گفت خانواده عبارت اسـت از گروهی متشـکل از افراد دارای شخصیت مدنی حقوقی و معنوی که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می‌دهد و بر این اساس اعضای آن دارای روابط قانونی اخلاقی و عاطفی می‌شوند. آیات قرآن نیز خانواده را این‌گونه تعریف کرده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛(روم: ۲۱) «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوسـتی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است»(بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۶).

هدف از انجام این تحقیق، بررسی آثار حجاب بر تحکیم مبانی اخلاقی و حقوقی خانواده اسـت. اسـفندی (۱۳۹۷) در تحقیقی بیان داشته است که برای پرداختن به اهمیت موضوع حجـاب به‌ویـژه در حـوزه اخلاقی و قانونی، نیازمنـد به توجه و همیاری تمام اقشـار جامعه و انسـان‌هایی هسـتیم که در طول زندگی انسـانی بـا آن‌ها برخورد می‌کنیم و بـا آن‌ها تعاملات اجتماعی و فردی داریم؛ چه در حوزه خانواده و چه در جامعه‌ای که خانواده را در خود جای داده اسـت. پـس می‌تـوان این‌گونه گفت کـه مباحثی همچون حجاب، عفـاف و حیاء جزیی

جدانشدنی از حوزه تعاملات فردی و اجتماعی انسان‌ها در خانواده و جامعه هستند.

صالحی (۱۳۹۵) نیز در تحقیقی بیان داشت که حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است و در این نوشتار مراد ما از حجاب، پوشش اسلامی و مراد از پوشش اسلامی زن به عنوان یکی از احکام وجوبی اسلام، این است که زن هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری وخودنمایی نپردازد. از آنجا که خانواده بر پایه زن و مرد نهاده شده و این دو وظیفه مهم تربیت فرزند را به عهده دارند، نقش خانواده‌ها در اصلاح یا فساد جامعه نیز مشخص می‌شود. از همین‌روست که مهم‌ترین و اساسی‌ترین بنیان‌ها، بنیان خانواده است. عوامل مختلفی در تحکیم خانواده نقش دارد که یکی از آن عوامل، عفاف و حجاب مردان و زنان است. حال باید دید عفاف و حجاب چه نقشی در تحکیم بنیان خانواده دارد. الفبای حقوق خانواده در اسلام، بر پایه محبت پی‌ریزی شده است و چیزی فراتر از راهکارهای عدل و عقل است(محقق داماد، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۲۵). بنیاد خانواده فطرتاً بر پایه عواطف و ارزش‌هاست. از این‌رو راهکارهای اخلاقی همیشه بهتر از راهکارهای حقوقی توانسته است مشکلات آن را به سامان برساند. در مقوله حجاب نیز با دو حوزه اخلاقی و حقوقی روبه‌رو هستیم که می‌توان ابتدائاً با مطرح کردن ارزش‌های اخلاقی و الگوهای دینی در این حوزه، به فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی خانواده‌ها و جوامع درباره لزوم حفظ حریم حجاب فردی و اجتماعی بپردازیم و بگوییم که چگونه حفظ حریم حجاب می‌تواند به تحکیم بنیاد خانواده و جامعه کمک کند و آرامش روانی و اجتماعی را در میان اعضای آن جامعه برقرار کند. در این تحقیق تلاش شد با مطرح کردن موارد فوق، آثار حجاب در تحکیم مبانی اخلاقی و حقوقی خانواده بررسی و بیان شود(نوری، ۱۳۹۵، ص ۲۸). مطالعات پیشین پیرامون تأثیر حجاب بر تحکیم مبانی اخلاقی و حقوقی خانواده با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده‌اند که شناسایی و بررسی این محدودیت‌ها برای پژوهش‌های آتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تمرکز محدود برخی تحقیقات تنها بر ابعاد خاصی از حجاب مانند تأثیرات اجتماعی یا فرهنگی و نادیده گرفتن جنبه‌های حقوقی یا اخلاقی، تحلیل‌های موجود را ناقص می‌کند. این محدودیت‌ها زمینه‌ساز طرح پژوهش‌های جدیدی است که

می‌توانند در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های اثربخش‌تر در این حوزه نقش مهمی ایفا نمایند و به تقویت پایه‌های اخلاقی و حقوقی خانواده در جامعه کمک کنند. بررسی آثار حجاب در تحکیم مبانی اخلاقی و حقوقی خانواده، اهمیت و ضرورت ویژه‌ای در جوامع اسلامی دارد؛ چراکه حجاب بیش از آنکه یک امر شخصی باشد، در ابعاد وسیع‌تر فرهنگی و اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند. حجاب به عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت‌بخش دینی می‌تواند بر پایه‌های اخلاقی و حقوقی خانواده‌ها تأثیرگذار باشد. از نظر اخلاقی، حجاب موجب تعمیق احترام متقابل میان اعضای جامعه و تقویت پیوندهای خانوادگی بر اساس فضیلت‌های اخلاقی می‌شود(موسوی، ۱۳۹۱، ص ۱۴). در بعد حقوقی حجاب می‌تواند به عنوان یک اصل حقوقی محافظت‌کننده در قوانین خانواده عمل کند و به تعریف و تحکیم حقوق فردی و جمعی کمک نماید. قانون‌گذاری‌های مبتنی بر اصول اسلامی در این زمینه می‌تواند به حفظ کرامت و استقلال افراد در چهارچوب خانواده و جامعه یاری رساند. همچنین حجاب به عنوان یک عنصر مهم در حفظ و تقویت نظم اجتماعی و خانوادگی، می‌تواند نقشی کلیدی در پیشگیری از تنش‌های اجتماعی و حفظ امنیت اجتماعی ایفا کند. مطالعه و بررسی دقیق این موضوع می‌تواند به تبیین روشن‌تری از نقش حجاب در تحکیم پایه‌های اخلاقی و حقوقی خانواده و به تدوین سیاست‌هایی منجر شود که این دو بعد مهم را در هماهنگی با یکدیگر تقویت کند. این مطالعات همچنین می‌تواند به مباحث بین‌رشته‌ای در حوزه‌های اخلاق، حقوق و علوم اجتماعی کمک کند و دیدگاه‌های جدیدی را در این زمینه‌ها ارائه دهد.

مفهوم‌شناسی حجاب

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه بیشتر به معنی پرده است و این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان دارای دو بعد ایجابی و سلبی است(کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۱۵). بعد ایجابی آن وجوب پوشش بدن و بعد

سلبی آن جرم بودن خودنمایی به نامحرم است و این دو بعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی ممکن است بعد اول باشد، ولی بعد دوم نباشد. در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است. در قرآن بیش از ده آیه درباره حجاب و حرکت نگاه به نامحرم وجود دارد. یکی از این آیات، آیه ۵۹ سوره احزاب است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾؛ «ای پیامبر! به زنان و دخترانت و نیز به زنان مؤمنین بگو خود را بپوشانند تا شناخته نشوند و مورد اذیت قرار نگیرند و خداوند بخشنده مهربان است». حجاب به معنای یک پوشش سراسری است؛ یعنی زن باید همه اندامش پوشیده باشد تا همچون گلی لطیف از دسترس هوسرانان مصون و محفوظ باشد(جلالی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲).

دیدگاه فقها درباره حجاب و اهمیت آن

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که بر تشریع تدریجی حجاب در عصر نبوی دلالت دارد. این تأکیدات قرآن و روایات دینی در سیره پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام به عنوان مبنای فقهی حجاب مطرح می‌شود. در متون فقهی حجاب به عنوان یک اصل دینی مورد تأکید قرار گرفته است و نه تنها یک پوشش ظاهری، بلکه به عنوان اقدامی اخلاقی و حقوقی برای حفظ عفت و کرامت انسانی تفسیر می‌شود. فقها در این زمینه معتقدند حجاب افزون بر تأکید بر پوشش ظاهری، در تقویت وضعیت باطنی انسان از جمله تقوا و عفت نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین حجاب در فقه اسلامی به عنوان یک حکم شرعی با اثرات اخلاقی و حقوقی در چارچوب خانواده و جامعه شناخته می‌شود و ارتباط آن با تحکیم مبانی اخلاقی و حقوقی خانواده‌ها بسیار روشن است. این ارتباط فقهی نشان می‌دهد که حجاب نه تنها برای رعایت اصول دینی، بلکه برای حفظ امنیت اجتماعی و خانوادگی نیز ضروری است. به طور گسترده می‌توان در احادیث منقول از پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام و در سیره آن‌ها یافت. تأکید قرآن و احادیث و متون فقهی بر اکتساب و تقویت ملکه عفت و تقوا، ضرورت رعایت حیا و عفاف در مناسبات زن و مرد غیر محرم و حرمت برخی امور، بیانگر ارتباط وثیق عفاف و حیا با حجاب است(باقری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰). بنابراین

دو واژه حجاب و عفت در اصل معنای منع و امتناع مشترک هستند و تفاوتی که میان منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به اینکه تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛ بنابراین بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است. هر چه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت تأثیر بیشتری دارد. بعضی نیز رابطه عفاف و حجاب را از نوع رابطه ریشه و میوه دانسته‌اند، با این تعبیر که حجاب میوه عفاف و عفاف ریشه حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی در خویش ایجاد نکرده باشند(هاشمی، ۱۳۸۶، ص ۱۱). این حجاب تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر برخی افراد ادعای عفاف را مطرح می‌کنند و با تعابیری همچون من قلب پاک دارم و خدا با قلب‌ها کار دارد، خود را سرگرم می‌نمایند. چنین انسان‌هایی باید در قاموس خود این نکته اساسی را در نظر بگیرند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک موجب بارور شدن میوه ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد. در منابع حدیثی و فقهی توضیح داده شده است که واجب نبودن پوشش صورت و دست‌ها به معنای جایز نبودن پوشاندن آن‌ها نیست و اساساً پوشیده‌تر بودن زنان، کاری نیکو و رعایت حریم میان زن و مرد غیر محرم تا حد امکان مطلوب است(ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۳۳). حجاب به عنوان پوشش مناسب و متعارف، زن را از نگاه‌های هوس‌آلود و مزاحم مردان دور نگه می‌دارد و بدین ترتیب امنیت جانی و سلامت جسمانی او را حفظ می‌کند. زنانی که در جامعه با حجاب حاضر می‌شوند، کمتر در معرض خطر آزار و اذیت و تجاوز قرار می‌گیرند. حجاب افزون بر حفظ سلامت جسم، به حفظ سلامت روان زن نیز کمک می‌کند. نگاه‌های هوس‌آلود و مزاحم مردان می‌تواند برای زنان اضطراب‌آور و آزاردهنده باشد و سلامت روان آن‌ها را به مخاطره اندازد. حجاب به زن آرامش می‌دهد و به او کمک می‌کند تا با تمرکز بیشتری به فعالیت‌های خود بپردازد. به عبارتی حجاب، مانعی برای فعالیت‌های اجتماعی و

علمی زنان نیست(طیبی، ۱۳۸۶، ص ۹۶). در واقع زن با حجاب می‌تواند بدون دغدغه نگاه‌ها و مزاحمت‌ها، به دنبال شکوفایی استعدادها و توانایی‌های خود در عرصه‌های مختلف باشد. تاریخ گواه حضور زنان باحجاب و موفقی است که در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نقش‌آفرینی کرده‌اند. حجاب به عنوان نمادی از عفاف و پاکدامنی، زن را به سوی تعالی اخلاقی و معنوی رهنمون می‌کند. زن با حجاب، از ظواهر دنیوی فاصله می‌گیرد و به ارزش‌های والاتر انسانی توجه بیشتری می‌کند. این امر به رشد شخصیت و ارتقای مقام زن در جامعه کمک می‌کند. در متون دینی و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز بر اهمیت حجاب و حفظ آن تأکید فراوانی شده است. برای مثال امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه فرموده است تا می‌توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد، هیچ چیز بهتر از خانه زن را حفظ نمی‌کند(رجبی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶). همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است روزی رسول‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از مردم پرسیدند چه چیز برای زن از هر چیز بهتر است؟ کسی نتوانست پاسخ گوید. حسن بن علی علیه‌السلام کودک و در مجلس حاضر بود. قصه را برای مادرش نقل کرد. حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: «از همه چیز بهتر برای زن، آن است که مرد بیگانه‌ای را نبیند و مرد بیگانه‌ای هم او را نبیند»[1] (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۵۴). این احادیث و روایات نشان‌دهنده اهمیت حجاب در نظر اسلام و بزرگان دین است و بر ضرورت حفظ و رعایت آن توسط زنان تأکید می‌کند. حجاب، مانعی برای پیشرفت زنان نیست؛ بلکه ابزاری برای حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی آنان است. زنان باحجاب می‌توانند در عرصه‌های مختلف جامعه حضور فعال داشته باشند و به شکوفایی استعدادهای خود بپردازند. حجاب، هویت و شخصیت زن مسلمان را حفظ و او را به سوی تعالی اخلاقی و معنوی رهنمون می‌کند(جلالی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۱). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایتی به همسران خود دستور دادند در برابر مرد نابینا خود را پشت حائلی پوشیده دارند[2](حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۰، ص ۲۳۲). پایبندی همسران پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به اجرای این دستور و تلقی مسلمانان صدر اسلام از آن، مؤید این نکته است که در ابتدا حکمت تشریع حجاب، حفظ شأن و حرمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و نوعی احترام ویژه به همسران ایشان بوده

۱. «خَيْرٌ لِلنِّساءِ انْ لايَرَيْنَ الرِّجالَ وَلايَرَاهُنَّ الرِّجالُ».

۲. «قُلْ لِي: أَصَحِيحٌ هَذَا الْحَدِيثُ؟ فِي رِوَايَةٍ أُمِرَتِ الزَّوْجَاتُ أَنْ يَسْتَتِرْنَ خَلْفَ حَائِلٍ مِنْ رَجُلٍ أَعْمَى».

است. اسلام به خطرات ناشی از روابط آزاد زن و مرد کاملاً واقف است و نهایت مراقبت را در برخوردهای زنان و مردان اجنبی دارد تا حدودی که منجر به حرج و فلج نشود و طرفدار دور نگه داشتن زنان و مردان است. نقل است پیامبرﷺ در زمان حیات خویش اشاره کرد که در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزا باشد[1](ابوداود، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۵۳۳). روزی رسول‌خداﷺ بیرون مسجد بود و دید مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می‌آیند. حضرت به زنان فرمود: «بهتر این است که شما صبر کنید آن‌ها بروند و شما از کنار بروید». به همین دلیل فقها فتوا می‌دهند که اختلاط مردان و زنان مکروه است(حداد عادل، ۱۳۸۱، ص ۲۵۹). به راستی اگر کسی بیمار دل نباشد، تصدیق می‌کند که راه اسلام، راه معتدل و متعادلی است که نهایت پاکی را برای روابط جنسی به عمل آورده و در عین حال هیچ گونه مانعی برای بروز استعدادهای انسانی زن به وجود نیاورده است. رفتار این‌گونه خانواده‌ها صمیمی‌تر و جدی‌تر است. اسلام لباس و پوشش را به عنوان موهبتی الهی بر می‌شمارد. وظیفه پوششی که اسلام برای زنان مقرر کرده است، به این معنی نیست که آن‌ها از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست؛ بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه موی سر و اندام خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد[2](حرعاملی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۲۱).

خانواده

اگر چه انسان‌ها واحدهای جدا از هم هستند، اما عوامل مختلفی از این آحاد، مجموعه پدید می‌آورد و آنان را به شکل‌های مختلفی با هم و با یکدیگر مرتبط می‌کند. خانواده یکی از این‌گونه مجموعه‌ها و از مقدس‌ترین نهادهای اجتماعی و پیونددهنده افراد است؛ آنچه که افراد را وادار می‌کند با هم زندگی مشترک و جمعی داشته باشند و در واقع زیرساخت پدید آمدن این‌گونه نهادها نیاز متقابل آنان است، چه در مسائل فکری و حل مشکلات اجتماعی خود چه در مسائل و زمینه‌های اقتصادی و اشتغال و معیشت و چه از نظر روحی

۱. «لِيَكُنْ دُخُولُ النِّسَاءِ إِلَى الْمَسْجِدِ مِنْ بَابٍ مُفْصَلٍ عَنْ بَابِ الرِّجَالِ».
۲. «لْتَسْتُرِ الْمَرْأَةُ فِي مُعَاشَرَتِهَا مَعَ الرِّجَالِ الْأَجَانِبِ شَعْرَ رَأْسِهَا وَأَعْضَاءَ جَسَدِهَا وَ لاتَتَزَيَّنَ وَ لاتَتَبَرَّجَ».

و عاطفی و غریزی. در جوامع انسانی خانواده به گروهی از افراد گفته می‌شود که با یکدیگر از طریق هم‌خونی، تمایل سببی یا مکان زندگی مشترک وابستگی دارند. خانواده در بیشتر جوامع، نهاد اصلی جامعه‌پذیری کودکان است(اعزازی، ۱۳۸۵، ص ۳۴). هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین شود، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و بر عکس هر چیزی که باعث سستی رابطه زوجین و دلسردی آنان گردد، زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد(سلگی، ۱۳۹۸، ص ۶). فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع از نظر اجتماع خانوادگی این است که از نظر روانی همسر قانونی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود. در حالی که از نظر سیستم آزادی و کامیابی غیر مشروع، همسر قانونی از نظر روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود (عظیمیان، ۱۳۸۸، ص ۱۸). از آثار اولیه رعایت حجاب در جوامع، استحکام نهاد خانواده به عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. با رعایت اصل حجاب و پوشش در محیط بیرون از خانواده، حریم زن و شوهر حفظ می‌شود و خانواده صاحب ثبات خواهد شد(جلالی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۶)؛ چنانکه خداوند در سوره نور می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾؛ (نور: ۳۱) «و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه هوس‌آلود فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند تا گردن و سینه با آن پوشانده شود»(قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶ ، ص ۱۷۴). بنابراین زنان باحجاب، موجب تحکیم خانواده شخصی و دیگران می‌شوند؛ چراکه با حجاب خود اطمینان و اعتماد شوهرشان را به پاکی خویش جلب می‌کنند و باعث تحکیم خانواده می‌شوند، اما نقش آنان در تحکیم خانواده‌های دیگر از این‌روست که مردان از تمتعات خارج از محدوده زناشویی محروم می‌شوند و طبعاً به همسران خود بیشتر توجه می‌کنند. اگر زنان در جلوه‌گری و نمایش زیبایی‌های ظاهری خود در خارج از محدوده خانواده آزاد باشند، چگونه می‌توانند برای شوهران خود همسری باوفا باشند و در نتیجه مایه خرسندی

خود و آرامشگر زندگی آنان باشند؟ آن‌ها به زودی محبت همسرانشان را از دست می‌دهند و عشق و صمیمیت، جای خود را به اختلاف و نزاع می‌دهد که نتیجه آن چیزی جز دچار شدن زنان به فشارهای روانی نیست. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع از نظر اجتماع خانوادگی، این است که همسر قانونی شخص از نظر روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار می‌رود و در نتیجه کانون اجتماعی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری نمی‌شود(عظیمیان، ۱۳۸۸، ص ۲۴).

تحکیم خانواده

اهمیت موضوع تحکیم خانواده از نقش کلیدی و حیاتی آن در جامعه نشأت می‌گیرد. تحکیم خانواده به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن روابط و ساختار خانواده تقویت می‌شود تا از انسجام، پایداری و همبستگی اعضا حمایت کند. خانواده به عنوان یک نهاد مقدس، پایه و اساس جوامع بشری و بستری برای پرورش فرهنگ‌های متنوع است. تا حد زیادی خوشبختی ملت‌ها به خانواده‌ها بستگی دارد. داشتن یک جامعه سالم و فعال، اساساً به سلامت و استحکام خانواده‌ها وابسته است. تمام دستاوردهای علمی و هنری بشریت از میان خانواده‌هایی که از نظر فرهنگی سالم و امن هستند، به وجود آمده‌اند[1](حرعاملی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۱۲). قرآن کریم به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخشی عظیم از آیات مثل آیه ۲۱ سوره روم، آیات ۱۳ و ۱۴ سوره لقمان و آیات ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. رجوع به این آیات الهی می‌تواند انسان را برای دستیابی به بهترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند. برخی سوره‌های قرآن همچون نساء، انسان، تحریم و طلاق به صورت خاص مسائل خانواده را بیان می‌کنند. اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که پایه‌گذاران آن یعنی زن و شوهر در تحکیم و پایداری این بنا نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام

۱. «إِنَّ امْتِلاَكَ مُجْتَمَعٍ صَحِيحٍ وَنَشِيطٍ يَعْتَمِدُ أَسَاسًا عَلَى صِحَّةِ الأُسَرِ وَاسْتِقْرَارِهَا بِجَمِيعِ إِنْجَازَاتِ الْبَشَرِيَّةِ الْعِلْمِيَّةِ وَالْفَنِّيَّةِ قَدْ نَشَأَتْ مِنْ بَيْنِ أُسَرٍ سَلِيمَةٍ ثَقَافِيًّا وَآمِنَةٍ».

کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود.

خانواده، بنیادی‌ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و افرادی با ایمان در آن پرورش دهند، نمی‌توانند جامعه‌ای ایده‌آل برای نسل آینده بسازند و از فرهنگ ایمانی خود جا می‌مانند و به اهداف متعالی خود نمی‌رسند. مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان و حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضاست. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده به تعبیر قرآن سکونت و آرامش اعضاست، لازم است که همه رفتارها و تعامل‌ها در راستای تحقق این هدف باشد(حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۶).

مبانی تحکیم بنیان خانواده

برای اینکه جامعه بتواند به خوبی شکل بگیرد و لرزشی در آن ایجاد نشود، قرآن کریم تهذیب و تربیت نفوس را در آن بسیار مهم می‌شمارد و نخست به تربیت فرد و سپس نزدیکان و خویشاوندان و آن‌گاه به جامعه توجه می‌کند. از نگاه قرآن تحکیم جامعه به میزان استحکام خانواده‌ها و هر گونه تزلزل یا سستی در جامعه، به ناپایداری کانون خانواده وابسته است. اگر جامعه بخواهد به امنیت برسد، باید خانواده را درست تأسیس کند؛ چرا که جامعه را خانواده‌های اصیل شکل می‌دهند و عنصر اصلی خانواده، عفاف است(جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۵). اگر کسی این حریم عفاف را رعایت نکند، اهل غیرت نیست. مقام معظم رهبری در اهمیت مبنا بودن خانواده و جایگاه زن در این کانون گرم چنین بیان می‌کنند که مسئله مادری، همسری، خانه‌داری و خانواده مسائل بسیار اساسی و حیاتی هستند(بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱).[1] در اینجا خانواده مبنا به معنای پایه‌گذاری و اساس‌گذاری سایر نهادها و فعالیت‌های اجتماعی بر اساس خانواده است؛ در حالی که مبانی خانواده به اصول و ارزش‌هایی اطلاق می‌شود که ساختار خانواده را شکل می‌دهند و آن را تقویت می‌کنند. در همه طرح‌هایی که ما داریم، بایستی خانواده مبنا باشد؛ یعنی شما اگر بزرگ‌ترین متخصص پزشکی یا هر رشته ی دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید؛ این برای شما یک نقص

1. https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43835

است. کدبانوی خانه شما باید باشید. اصلاً محور این است(نورمفیدی، ۱۴۰۰، ص ۸۷). برای یک مرد بزرگ این همسر کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه کوچک آن کار را می‌کند و زنان دقیق و ظریف به این نکته آشنا هستند. اگر این احساسات و عواطف، محتاج وجود یک محور اصلی در خانه که آن خانم و کدبانوی خانه است، نباشد؛ خانواده یک شکل بدون معنا پیدا خواهد کرد.

نقش عفاف و حجاب در تحکیم خانواده

از آنجا که اساس خانواده بر پایه زن و مرد نهاده شده است و این دو وظیفه مهم تربیت فرزند را به عهده دارند، نقش خانواده‌ها در اصلاح یا فساد جامعه نیز مشخص می‌شود و به همین دلیل مهم‌ترین و اساسی‌ترین بنیان‌ها، بنیان خانواده است. هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین شود، برای کانون خانوادگی مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و یا به عکس هر چیزی که موجب سستی روابط و دلسردی آنان گردد، به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد(حسن‌پور، ۱۳۹۱، ص ۴). عواملی که قرآن برای انحطاط جامعه بر می‌شمرد، عبارتند از شهوترانی و هواپرستی، غرور و خوی استکبار، خیانت در امانت الهی، فراموشی یاد خدا، دنیاطلبی و مقام‌پرستی، دورویی و سالوس‌صفتی، سرکشی، عنادورزی، پیمان‌شکنی، سنگدلی، سستی و تنبلی و پست‌همتی. اگر جامعه دچار انحطاط شود، خانواده‌ها نیز سست و بی‌بنیان خواهند شد. عفاف و حجاب هم برای مردان و هم زنان است؛ چنانکه رهبر معظم انقلاب فرموده است حجاب و عفاف مخصوص خواهران نیست. ای برادران مسلمان و ای برادران جوان! شما هم مراعات عفاف و حجاب اسلامی را بکنید. شما هم با لباس شایسته در محیط کار و در محیط جامعه ظاهر بشوید(قاسمی و علاءالدین، ۱۳۸۸، ص ۱۷). پس آیا باید مردان افزون بر حفظ نگاه و حفظ فروج، باید به کیفیت پوشش هم توجه کنند. مقام معظم رهبری معتقدند اسلام در باب حجاب پوشش را معین نکرده و مقصود را معین کرده است[1](بیانات در دیدار جمعی از بانوان مسئول و متخصص و هنرمند کشور با رهبر، ۱۳۸۴/۰۸/۲۲).

1. https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17788.

مقصـود این اسـت که دیـدار زن و مرد و ملاقات طبیعی آن‌ها به صـورت روزمره به یک عامل تحریـک تبدیـل نشـود و این، هدف اسـلام اسـت. هـر گاه زن با حجاب باشـد، از معاشـرت و مراوده با رجال حیا می‌کند، مگر بر حسب ضرورت. پس علاقه‌اش به شوهر محفوظ می‌ماند، بر خلاف صورتی که محتجبه نباشد؛ پس حیا نمی‌کنند و با مردان معاشرت می‌کند و تجاذب از طرفین حاصل و علاقه به شـوهرش ضعیف می‌شـود. اگر علاقه باقی بماند، به ادنی سـبب کدورت زوال می‌پذیرد(اشـرافی، ۱۳۹۸، ص ۱۶). توجه اسـلام به حجاب برای پیشگیری از فساد است؛ چنانکه مقام رهبری می‌فرماید «عفّت در زن، وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشـم دیگران، حتّی در چشـم خودِ مردان شهوتران و بیبندوبار است. عفّت زن، مایه احترام و شـخصیت اوسـت. این مسئله حجاب و مَحرم و نامَحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگهداشته شود. اسلام به مسئله عفـاف زن اهمیـت می‌دهـد. البته عفاف مـرد هم مهمّ اسـت»[1](بیانات در دیدار جمعـی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰). مسـئله حجاب یا نگاه به نامحرم که در اسـلام این همه در موردش تکیه شـده اسـت، در حقیقت یک مقدمه اسـت برای اینکه از رشـد سـلول خطرناکی که به غده مهلکی بـدل خواهـد شـد در جامعه، جلوگیری کنـد و از یک بیماری و بلای کشـنده و نابودکننده در جامعـه پیشـگیری کنـد و آن بلا، عبارت اسـت از فسـاد فحشـاء و بـی بند و باری جنسـی. در جامعه‌ای که زنان فاسـد شـوند، مردها نیز به خودی خود فاسـد خواهند شـد. مقام رهبری در این زمینه فرموده اسـت زن اگر فاسـد شد، احتیاج نیسـت مردها را فاسد کنند. مردها به خودی خود فاسد می‌شوند. اگر زن یک نسل فاسد شد، هیچ لزومی ندارد که با سرمایه‌گذاری مردهای آن نسـل را فاسـد کنند. طولی نمی‌کشـد که تمام مردهای آن نسل فاسد می‌شوند؛ زیرا زن تربیت‌کننده است، حال یا تربیت‌کننده انسان‌های بافضیلت و شجاع و یا انسان‌های بی‌ارزش و بی‌ایده‌آل اسـت. مادران یعنی زنان جامعه که مهم‌ترین شـأن آن‌ها مادری است، باید اصلاح شوند تا تاریخ اصلاح شود (رفیعی نژاد، ۱۳۹۶، ص ۲۴). از این‌رو برای تحکیم اساس خانواده باید به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری شود که نظم خانواده را به هم نزند؛ زیرا اگر زن در اداره و تأمین مالی خانواده احساس استقلال و یا برابری با مرد داشته باشد و یا مرد خانه را محل

1. https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859

آرامش و رأفت و عطوفت نیابد، ناخواسته روحیه تقابل و استغنا و طغیان بروز می‌کند و قاعده «**یجعل بینکم موده و رحمه**» به دو نیروی برابر و متقابل تبدیل می‌شود و نه تنها عطوفت و مهر این مجموعه را به هم پیوند نخواهد داد؛ بلکه گاهی زمینه دافعه هم رشد می‌کند و این، آغاز فروپاشی خانواده است و در پی آن فروپاشی اجتماع روی خواهد داد (شریفی، ۱۳۹۹، ص ۴۳).

نقش حجاب در تحکیم مبانی اخلاقی خانواده

حجاب در تقویت مبانی اخلاقی خانواده نقش بنیادینی دارد و به عنوان یک اصل فرهنگی و دینی، به حفظ و ترویج عفت و حیا کمک می‌کند. به عبارت دیگر حجاب نه تنها از مبانی اخلاقی خانواده حمایت می‌کند؛ بلکه در تعریف و تقویت این مبانی نیز مؤثر است. در واقع حجاب می‌تواند به عنوان یک عنصر بنیادین در شکل‌دهی به ارزش‌های اخلاقی در خانواده عمل کند و از این‌رو به استحکام و انسجام مبانی اخلاقی آن کمک می‌نماید. این پوشش نه تنها یک مظهر ظاهری است؛ بلکه به عنوان یک عنصر تعیین‌کننده در تحکیم ارزش‌های اخلاقی درون خانواده عمل می‌کند. حجاب به عنوان یک وسیله برای حفظ پاکدامنی، محیطی امن و عاری از تحریکات نامناسب جنسی برای اعضای خانواده فراهم می‌آورد. این موضوع به خصوص در محیط‌هایی که اعضا بیرون از منزل فعالیت می‌کنند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. حیا نه تنها در پوشش بلکه در کلام و کردار نیز ترویج می‌شود. حجاب به عنوان یک نماد بصری، این فرهنگ را تقویت و به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر رفتارهای نامناسب عمل می‌کند. حجاب در سطح خانواده به تربیت فرزندان در فضایی اخلاق‌محور کمک می‌کند. والدین با الگوبرداری از حجاب، ارزش‌هایی مانند احترام متقابل و مراقبت از حریم شخصی را به فرزندان خود آموزش می‌دهند. حجاب همچنین به افزایش امنیت اجتماعی کمک می‌کند. با محدود کردن تعاملات ناخواسته، حجاب محیطی را فراهم می‌آورد که در آن اعضای خانواده احساس امنیت بیشتری دارند. این امر به‌ویژه برای زنان در جامعه اهمیت دارد؛ زیرا حجاب به عنوان یک عامل محافظ در برابر نگاه‌ها و رفتارهای نامناسب عمل می‌کند(حسین‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۳۰۶). در نهایت حجاب نه تنها به عنوان یک پوشش، بلکه به عنوان یک سازوکار اخلاقی عمل می‌کند که می‌تواند به ارتقای کیفیت تعاملات درون

خانواده و در جامعه کمک کند. از این‌رو حجاب در تحکیم مبانی اخلاقی خانواده نقش مهمی دارد و به عنوان بخشی از فرهنگ و اعتقادات دینی، تأثیرات مثبتی بر جامعه می‌گذارد.

رابطه حجاب با مبانی حقوقی خانواده

مبانی حقوقی خانواده به مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی اشاره دارد که به منظور تنظیم روابط بین اعضای خانواده و حفاظت از حقوق آن‌ها در چهارچوب‌های قانونی وضع شده‌اند. این بنیان حقوقی نقش کلیدی در حفظ ساختار خانواده، تضمین امنیت اجتماعی و اقتصادی و تأمین عدالت بین اعضا دارد. اساساً حقوق خانواده به دو بخش عمده تقسیم می‌شود: حقوق مربوط به ازدواج و حقوق مربوط به فرزندان(جاوید، ۱۳۹۷، ص ۲۸). در این بخش رابطه حجاب با مبانی حقوقی خانواده توضیح داده می‌شود. حجاب به عنوان یک اصل قانونی، نه تنها به فرد بلکه به ساختار اجتماعی و حقوق خانواده‌ها ارتباط دارد. قوانین مرتبط با حجاب در جامعه به‌ویژه در زمینه‌های عمومی و اجتماعی، می‌توانند نقش حیاتی در حفظ حقوق فردی و اجتماعی اعضای خانواده ایفا کنند. این قوانین نه تنها حریم خصوصی افراد را حفاظت می‌کنند؛ بلکه به طور کلی در راستای ارتقای فرهنگ خانواده و حفظ امنیت اجتماعی عمل می‌کنند.

ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی این‌گونه بیان می‌کند که هر گاه کسی علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نباشد، اما عفت عمومی را جریحه دار نماید؛ تنها به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۹۵ تخلفات اعضاء و کارکنان شورا نیز به قرار زیر است: الف) اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا عضویت، ب) عدم رعایت حجاب اسلامی، ج) عدم رعایت شئون و شعائر اسلامی.

ماده ۸ تخلفات اداری نیز به این قرار است: الف) اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری، ب) ایراد تهمت و افترا هتک حیثیت، ج) رعایت نکردن حجاب اسلامی، د) رعایت نکردن شئون و شعائر اسلامی.

حجاب و مبانی اخلاقی آن در تنظیم روابط اجتماعی

ارزش‌های اخلاقی مانند عفاف، حیا و حجاب به عنوان راهکارهای دقیق و هوشمندانه‌ای در نظر گرفته شده‌اند که نقش مهمی در تنظیم روابط بین زن و مرد دارند. حجاب اسلامی که به عنوان یک نظم اخلاقی بین زنان و مردان عمل می‌کند، تأثیرات مثبتی بر سلامت جامعه دارد(اکبری، ۱۳۹۱، ص ۲۷). در واقع عفاف و حجاب به عنوان نمادهای احترام و تفکر دینی، امروزه به مبنایی برای قانون‌گذاری در این زمینه تبدیل شده‌اند. خداوند متعال در فرهنگ غنی عفاف از زنان می‌خواهد که ارزش وجودی خود را درک کنند و به شناخت درستی از خود دست یابند تا خود را به دست نامحرمان نسپارند. اگر زنان به درک و احساس صحیحی از خود و انتظارات جامعه نسبت به خود دست یابند، می‌توانند هویتی کامل و موفق از زنانگی خود به دست آورند. زمانی که زن احساس کند که انتظارات خاصی از سوی خداوند و جامعه از او می‌رود که با طبیعت و فطرت زنانه‌اش همخوانی دارد و می‌تواند در این نقش به خوبی عمل کند، از زن بودن خود احساس رضایت و ارزشمندی خواهد کرد(همایون مصباح، ۱۳۸۶، ص ۷۵).

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر حجاب بر تقویت مبانی اخلاقی و حقوقی خانواده و نقش آن در تحکیم پیوندهای خانوادگی و اجتماعی است. در این پژوهش حجاب نه تنها به عنوان یک اصل دینی و فرهنگی، بلکه به عنوان یک اصل اجتماعی با تأثیرات عمیق بر ساختار خانواده و جامعه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. تحکیم مبانی اخلاقی و حقوقی خانواده، اساس تحول و پیشرفت در جوامع اسلامی و غیر اسلامی است. این مبانی نه تنها زمینه‌ساز امنیت و آرامش در خانواده‌ها می‌شوند؛ بلکه به عنوان پایه‌های اساسی در ساختار اجتماعی عمل می‌کنند. تأکید بر این مبانی، نقش مهمی در حفظ و تقویت نظم و اخلاق در جامعه دارد. تقویت اخلاق خانوادگی مستلزم ترویج و تعمیق ارزش‌هایی چون عفت، حیا، مسئولیت‌پذیری، صداقت، گذشت و مهربانی است. این ارزش‌ها به حفظ کرامت و ارتقاء سطح روابط عاطفی و احترام متقابل بین اعضای خانواده کمک می‌کنند و از تنش‌ها و تعارض‌های درون خانوادگی می‌کاهند. برای مثال عفت و حیا به عنوان دو رکن

اساسی در حفظ پاکدامنی و کرامت فردی عمل می‌کنند و محیطی امن برای تمام اعضا فراهم می‌آورند. همچنین صداقت و شفافیت در ارتباطات خانوادگی موجب تقویت اعتماد و کاهش سوءتفاهم‌ها می‌شود. از منظر حقوقی، قوانین خانواده باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر را مشخص و از حقوق کودکان حمایت کنند و راهکارهایی برای حل منصفانه و عادلانه اختلافات خانوادگی فراهم آورند. این قوانین باید محیطی را ایجاد کنند که در آن حقوق همه اعضا به طور مساوی محافظت شود؛ مانند تأمین نفقه، حضانت فرزندان و مدیریت اموال مشترک. در بررسی مباحث مرتبط با حجاب و تأثیرات آن بر خانواده، باید به این نکته توجه داشت که حجاب نه تنها به مثابه یک اصل فرهنگی و دینی است که افزون بر حفظ کرامت و حرمت فردی، به تقویت پایه‌های اخلاقی و روابط درون خانواده نیز کمک می‌کند. مبحث حجاب که در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و دینی مطرح می‌شود، نقشی بنیادین در تعالی و ارتقای ارزش‌های خانوادگی ایفا می‌کند. حجاب به عنوان یکی از اصول اساسی در دین اسلام، فراتر از یک تکلیف شخصی به مثابه یک تکلیف اجتماعی عمل می‌کند که می‌تواند به عنوان یک سپر محافظتی در برابر آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی نقش‌آفرینی کند. این اصل با تأکید بر حفظ حریم شخصی، بر تقویت احترام متقابل و حفظ پاکدامنی تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود افراد با رعایت آن، احساس امنیت و آرامش بیشتری در جامعه داشته باشند. نقش حجاب در تقویت ارزش‌های خانوادگی فقط به حفظ فردی منحصر نمی‌شود؛ بلکه در تحکیم پیوندهای خانوادگی نیز کلیدی است. والدین با الگوبرداری مناسب و رعایت حجاب می‌توانند در تربیت فرزندانی که احترام متقابل، حرمت نفس و ارزش‌های دینی را پاس می‌دارند، مؤثر واقع شوند. این رویکرد در بلندمدت به پرورش نسلی متعهد و محترم منجر خواهد شد که نه تنها حافظ دین و سنت‌های خود هستند؛ بلکه در احترام گذاشتن به حقوق دیگران نیز کوشا هستند. این اصول و فواید، حجاب را نه تنها به عنوان یک سنت دینی بلکه به عنوان یک نیاز اجتماعی و اخلاقی در جوامع امروزی مطرح می‌کند. توجه به حجاب و عفاف نه تنها برای حفظ فردی ضروری است؛ بلکه برای حفظ و تقویت جایگاه و نقش خانواده در

جامعه اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر است. به این ترتیب حجاب بیش از یک الزام شرعی، به یک اصل کلیدی در تحکیم بنیادهای اخلاقی و اجتماعی تبدیل می‌شود که به شکل‌گیری یک جامعه سالم و پویا کمک شایانی می‌کند. در نهایت تأکید بر حجاب و عفاف در جامعه اسلامی نه تنها به حفظ شأن و کرامت افراد کمک می‌کند؛ بلکه به عنوان یک اصل مهم در حفظ و تقویت پیوندهای خانوادگی و اجتماعی نقش بسزایی ایفا می‌نماید. این اصل با ارتقاس فضایل اخلاقی و تعمیق ارزش‌های دینی، به تقویت نهاد خانواده و در نتیجه تقویت جامعه اسلامی کمک می‌کند که در برابر چالش‌های معاصر قوی‌تر و منسجم‌تر عمل کند.

پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود تجارب جوامع مختلف برای درک عمیق‌تر از نقش حجاب در تحکیم بنیان خانواده در دنیای اسلام مطالعه و بررسی شود. همچنین به بررسی دقیق و موشکافانه آثار حجاب بر حقوق و تکالیف اعضای خانواده از منظر فقهی و حقوقی پرداخته شود. با تبیین دقیق حقوق و تکالیف متقابل زن و شوهر، فرزندان و سایر اعضای خانواده در سایه آموزه‌های حجاب می‌توان به ارتقای درک صحیح از جایگاه و نقش هر یک در تحکیم بنیان خانواده پرداخت.

فهرست منابع

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم(۱۴۱۴ق)، لسان العرب، قم: نشر الادب الحوزه.
۲. ابوداود، سلیمان بن اشعث(۱۴۲۰ق)، سنن أبی‌داود، بیروت: دارالفکر.
۳. اسفندی، آسیه(۱۳۹۷)، «آثار حجاب در تحکیم مبانی اخلاقی و حقوقی خانواده»، میمه: دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. اشرافی، مرتضی(۱۳۸۹)، «نقش عفاف و حجاب در تحکیم بنیان نهاد خانواده»، پیام زن، ش ۲۲۸.
۵. اعزازی، شهلا(۱۳۸۵ش)، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۶. اکبری، محمدرضا(۱۳۹۱ش)، حجاب زن مسلمان، چاپ سوم، تهران: شرکت نشر و چاپ بین‌الملل.
۷. باقری، خسرو(۱۳۹۰ش)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
۸. بانکی‌پور فرد، امیرحسین(۱۳۹۱ش)، آیینه زن، تهران: کتاب طه
۹. بطحایی گلپایگانی، سید هاشم(۱۳۸۳ش)، فمینیسم از نظر اسلام و دیگر ملل، چاپ اول، قم: نشر نوید اسلام.
۱۰. بهشتی، احمد(۱۳۷۷ش)، خانواده در قرآن، چاپ دوم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. جاوید، محمدجواد و مریم مهاجری(۱۳۹۷)، «مبانی مداخله دولت در نهاد خانواده در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، ش ۸۲، ص ۳۴ ـ ۷.
۱۲. جلالی، حمیدرضا و عباس جلالی(۱۳۹۸)، «بررسی تأثیر حجاب و عفاف بر استحکام خانواده»، ششمین همایش دانشجویی بررسی فرهنگ سلامت از منظر قرآن و حدیث.
۱۳. جلالی، زینب، (۱۳۸۲ش)، جزوه حجاب از دیدگاه روان‌شناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله(۱۳۷۸ش)، زن در آیینه جلال و جمال، چاپ پنجم، بی‌جا: دارالهدی.
۱۵. حداد عادل، غلامعلی(۱۳۸۱ش)، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات سروش.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن(۱۴۰۸ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: داراحیاءالتراث الاسلامی.
۱۷. ـــــــــ (۱۳۸۶ش)، آداب معاشرت از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام (برگزیده وسائل الشیعه)، ترجمه محمدعلی فارابی و یعسوب عباسی علی‌کمر، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۸. حسن‌پور، ریحانه(۱۳۹۱)، فرهنگ عفاف و حجاب در تحکیم بنیان خانواده، بنیاد علوم و معارف اسلامی.
۱۹. حسین‌زاده، علی(۱۳۸۸ش)، همسران سازگار، چاپ ۱۳، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.
۲۰. حسینی، اکرم(۱۳۸۳)، «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی زنان ش ۲۶، ص ۸۱ ـ ۴۶.
۲۱. راستی کوشکقاضی، سیاوش، مجتبی معظمی، حاچیه رجبی فرجاد و سید عطاءالله افتخاری(۱۴۰۱)، «مؤلفه‌های دینداری و معنویت در نوجوانان»، نشریه رهیافت های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۲، ش ۳، ص ۱۹ ـ ۱.

۲۲. رجبی، عباس(۱۳۹۰ش)، حجاب و نقش آن در سلامت روان، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ.
۲۳. ـــــــــ (۱۳۸۸)، «حجاب و نقش آن در سلامت روان»، مجله پیام زن، شماره ۲۱۵.
۲۴. رزازی، مریم، محسن قدمی، فاطمه عزیزآبادی و ابراهیم حاجیانی(۱۴۰۳)، «شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی ایرانی»، نشریه مطالعات ملی، ش ۹۷، ص ۸۱ ـ ۵۳.
۲۵. سلگی، زهره(۱۳۹۸)، «پیش‌بینی انسجام خانوادگی بر اساس رضایت جنسی، صمیمیت و احساسات مثبت نسبت به همسر در زوجین»، مجموعه مقالات ششمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ص ۶۱۷ ـ ۶۰۴.
۲۶. شریفی، الهام، (۱۳۹۹ش)، نقش عفاف، حجاب و حیا در تحکیم بنیان خانواده از دیدگاه استاد مطهری ﷺ، نجف‌آباد: انتشارات مهر زهرا ﷺ.
۲۷. صالحی رودانی، غلامرضا(۱۳۹۵)، «بررسی جایگاه و نقش حجاب و عفاف در تحکیم بنیان خانواده و ارایه راهکارهایی برای گسترش آن در جامعه»، کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه مشاوره، خانواده و تعلیم و تربیت اسلامی.
۲۸. طباطبایی، سید محمدحسین(۱۳۹۸ش)، خلاصه تفسیر المیزان، تهران: اسلام.
۲۹. طیبی، ناهید(۱۳۸۶)، «حجاب و عفاف مروری دوباره»، مجله پیام زن، ش ۹۶.
۳۰. عظیمیان، مریم و سعید بهشتی(۱۳۸۸)، «بررسی فلسفه و قلمرو حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن»، فصلنامه تربیت اسلامی، ش ۸، ص ۱۰۴ ـ ۷۵.
۳۱. علیمردی، مهناز و محمدمهدی علیمردی(۱۳۸۹)، «حجاب و پوشش در ادیان، زرتشت، یهود و مسیحیت»، فصلنامه علمی پژوهشی معرفت ادیان، ش ۳، ص ۱۳۷ ـ ۱۱۷.
۳۲. قاسمی، مرضیه و محمدرضا علاءالدین(۱۳۸۸)، «حجاب قرآنی و نقش آن در نهاد خانواده»، فصلنامه علوم قرآن و حدیث، ش ۳۳، ص ۵۴ ـ ۴۸.
۳۳. قرائتی، محسن(۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب(۱۳۸۸ش)، اصول کافی، قم: دارالکتب اسلامیه.
۳۵. مجلسی، محمد باقر(۱۴۰۴ق)، بحارالأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. محقق داماد، سید مصطفی(ش۱۳۹۵)، بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، چاپ ۱۸، تهران: انتشارات مرکز نشر علوم انسانی.
۳۷. رفیعی نژاد، خجسته، (۱۳۹۶)، «تأثیر عفاف و حجاب در تحکیم بنیان خانواده»، تهران: همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب.
۳۸. موسوی، احمد، (۱۳۹۱)، «تحلیل تطبیقی حجاب در قوانین اسلامی و تحولات فعلی»، فصلنامه فرهنگ مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴، ش ۱، ص ۱۴۸ ـ ۱۲۹.
۳۹. نورمفیدی، سید کاظم، سید محسن صفایی و علی‌اصغر ورمزیار(۱۴۰۰)، تراز خانواده اسلامی: اهمیت تشکیل و عوامل تحکیم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۴۰. هاشمی، سیدحسین(۱۳۸۶)، «رابطه حجاب و عفاف»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۱ و ۵۲، ص ۳۷ .
۴۱. همایون مصباح، سیدحسین، (۱۳۸۶)، «مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت دولت در فراهم آوردن شرایط مطلوب حجاب»، نشریه پیام زن، ش ۱۸۴، ص ۸۱ ـ ۶۶.